

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، شماره ۳۰

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۰۳-۲۳۸

تحلیل فقه الحدیثی هلاکت شیعه‌نمایان به وسیله طاعون در کتاب الکافی

منا خانی*

محسن رفعت**

چکیده

تظاهر و نفاق به سبب سوءاستفاده از دین و اعتقادات مذهبی، همواره وجود داشته و دارد. در زمان ائمه علیهم‌السلام نیز برخی با هدف فریب مردم، جاسوسی برای حاکمان و ضربه زدن به امامان و شیعیان، تظاهر به تشیع می‌نمودند. بنابراین برخی از معصومان علیهم‌السلام برای هشیارسازی مردم، به تبیین ویژگی‌های شیعیان واقعی از دروغین پرداختند. در حدیثی از کتاب کافی به برخی ویژگی‌های شیعیان و شیعه‌نمایان اشاره شده که یکی از صفات متظاهرین به تشیع، هلاکت آن‌ها به وسیله طاعون معرفی شده است. مفهوم این عبارت با آیات، روایات و شواهد تجربی تناقض دارد؛ زیرا طاعون نوعی بیماری همه‌گیر است و عقلاً نمی‌توان آن را منحصر به گروهی خاص دانست. بنابراین پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با هدف نقد متن بررسی فقه الحدیثی این روایت انجام شده است. بررسی سند حاکی از اعتبار حدیث است؛ اما متن حدیث در کتب مختلف، حائز تفاوت‌هایی است که با استناد به برخی از آن‌ها می‌توان برای «طاعون یقتلهم» معانی دیگری غیر از بیماری فرض نمود. بنابراین مفهوم عبارت مذکور از نظر واژگانی، آیات، روایات و شواهد تجربی و تاریخی بررسی گردید و استناد به یافته‌های تحقیق نشان داد هلاکت با طاعون که به شیعه‌نمایان نسبت داده شده، معرف مرگی غیر از بیماری و به معنای مرگ با ادوات جنگی همچون شمشیر یا نیزه، و یا مرگ قلب و روح ایشان است.

کلیدواژه‌ها: شیعه‌نمایان، مرگ با طاعون، الکافی، نقد متن، فقه الحدیث.

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث گرایش نهج البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه علیها‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول) / M.kh201391@gmail.com

** دکترای تخصصی، اسنادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه علیها‌السلام، قم، ایران / mohsenrafaat@hmu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

۱. بیان مسئله

پس از رحلت پیامبر ﷺ به دلیل تظاهر و نفاق عده‌ای مسلمان‌نما (ر.ک: مجادله: ۱۶؛ منافقون: ۲)، جامعه اسلامی گمراه گردید و اهل‌بیت پیامبر ﷺ از حق الهی خویش مبنی بر رهبری جامعه اسلامی محروم ماندند. از آن‌پس، مسلمانان چندین گروه شدند که از میان آن‌ها، گروهی شیعیان و گروهی دنیاپرستان و فریب‌خوردگان طرف‌دار خلفا و حکام منسوب به آن‌ها بودند. بعدها به دلیل آزارهای فراوان خلفای ظالم بر شیعیان، دستوراتی از جانب معصومان علیهم‌السلام مبنی بر تقیه کردن شیعیان صادر گردید (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۲۰، ح ۱۷). همچنین ائمه علیهم‌السلام به بیان برخی ویژگی‌های شیعیان و شیعه‌نمایان پرداختند تا مردم بتوانند تقیه‌کنندگان را از منافقان تشخیص داده، از نفوذ عوامل جور در میان طرف‌داران اهل‌بیت علیهم‌السلام ممانعت نمایند. در روایتی از کتاب کافی آمده است: «یکی از ویژگی‌های شیعه‌نمایان، مرگ آن‌ها با طاعون است» (همان: ج ۲، ۲۳۸، ح ۲۷). طاعون یک بیماری همه‌گیر است و در صورت شیوع، همه افراد حاضر در محیط، بیمار شده و کمتر کسی از گزند آن در امان خواهد ماند؛ بنابراین تخصیص هلاکت به وسیله طاعون به شیعه‌نمایان، دارای ابهام عقلانی و مفهومی است. نوشتار حاضر، گونه‌های متعدد فهم حدیث مزبور و نیز اعتبار سندی و محتوایی روایت را با محوریت این پرسش که «معنای اصلی و مفروض کلمه طاعون در این حدیث چیست و هلاکت با آن در عبارت "طاعون یقتلهم" اشاره به چه نوع مرگ و هلاکتی دارد؟» به ترازوی سنجش سپرده و با روش تحلیلی - انتقادی به بحث نشانده است.

درخصوص مسئله شناخت و ویژگی‌های شیعیان و مخالفانشان تحقیقات متنوعی اعم از کتاب و مقاله با هدف شناخت و معرفی ویژگی‌های شیعیان با رویکرد تربیت اخلاقی و دینی نوشته شده است؛ مانند کتب *صفات الشیعه* نوشته شیخ صدوق، *شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات* (رضوانی، ۱۳۸۵)، *گزیده سیمای عقاید شیعه* (سبحانی، ۱۳۸۹)، *شیعه‌شناسی و شیعه‌پژوهان انگلیسی‌زبان* (حسینی، ۱۳۸۷) و مقالاتی نظیر «صفات و فضائل شیعه در کلام امام رضا علیه‌السلام» (جواهری، ۱۳۸۷)، «شیعه و تشیع؛ مفهوم‌شناسی، ماهیت و خاستگاه» (علی آقانوری، ۱۳۸۴)، «برخی از اوصاف شیعیان در کلام امام صادق علیه‌السلام» (خرمی، ۱۳۸۴) و...، اما کمتر تحقیقی با هدف نقد یا بررسی فقه‌الحدیثی

این‌گونه روایت‌ها یا بخشی از آنها انجام شده است. از این‌رو مقاله پیش‌رو از نظر رویکرد فکری و تحقیقاتی با سایر پژوهش‌های مشابه تفاوت داشته و از ابعادی جدید و متفاوت موضوع را بررسی می‌کند. لازم به یادآوری است که گرچه یادگیری، ترویج و بهره‌مندی از متن احادیث موجب رشد اخلاقی و تربیتی افراد در جامعه است، بررسی ناقده مفهوم روایات نیز به سبب آگاه‌سازی و پاسخ به شبهات جدید ضرورت دارد. بنابراین با توجه به گسترش علم و آگاهی عمومی، افزایش روحیه پرسشگری و کاهش روحیه مقلد در نسل امروز، ضرورت انجام چنین تحقیقاتی در عرصه علوم حدیث بیش از پیش احساس می‌گردد.

۲. بسامدهای فقه‌الحدیثی

۲-۱. بررسی سنّی

این روایت در کتاب *اصول کافی* با سه طریق و در کتاب *الغیبة نعمانی* با یک طریق از امام صادق علیه السلام نقل شده و با یکی از طرق مذکور در سایر کتاب‌های حدیثی نیز آمده است؛ از جمله: *وسائل الشیعه* (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ۱۹۲)، *وافی* (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۱۷۲)، *التمحیص* (ابن‌همام اسکافی، ۱۴۰۴ق: ۷۰)، *تحف العقول* (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۸)، *اعلام‌الدین* (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۳)، *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۱۶۵)، *روضه المتقین* (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲، ۲۲)، *عوامل العلوم* (بحرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۲۰، ۸۳۶)، *مرآة العقول* (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹، ۲۶۷)، *شرح اصول کافی* (مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۹، ۱۶۳).

۲-۱-۱. اسناد روایت در کتاب کافی

«عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مِهْزَمٍ وَبَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكَاهِلِيِّ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۳۸).

این سند جزء اسناد دارای تحویل است که طریق اول و سوم صحیح، و طریق دوم به‌خاطر داشتن یک راوی مجهول، ضعیف محسوب می‌شود:

طریق اول:

۲۰۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۰۳-۲۳۸

۱. علی بن ابراهیم بن هاشم قمی: در حدیث ثقه است؛ امامی، معتمد و صحیح المذهب بودن وی نیز ثابت شده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰).
۲. محمد بن عیسی بن عبید: «ثقه، شناخته شده، کثیر الروایه و دارای تصنیفات نیکوست» (همان: ۳۳۳).
۳. یونس بن عبدالرحمن: به رغم آنکه قمیون او را طعن کرده اند، نزد شیخ طوسی ثقه بوده است (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۸).

طریق دوم:

۱. بعض اصحابنا: نشان دهنده ارسال در حدیث است و در صورت عدم رفع ارسال، حدیث ضعیف خواهد بود.
۲. محمد بن علی الحلبی: «دارای کتاب و ثقه بوده است» (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۵).
۳. محمد بن إسحاق الکاهلی: «مجهول است» (بسام، ۱۴۲۶ق: ۲۳۶).

طریق سوم:

۱. ابوعلی الأشعری (یا همان احمد بن ادریس قمی): «فقیهی ثقه در میان اصحاب بوده، کثیر الحدیث و صحیح الروایه است» (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۶۴).
۲. حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره: دارای کتاب (ر.ک: همان: ۱۲۹) و بسیار توثیق شده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۳).
۳. عباس بن عامر القصبانی: «از اصحاب امام کاظم علیه السلام (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۱)». «از ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده و نامش را در اصحاب رجال ذکر کرده اند و دارای کتاب است» (تفرشی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۳۷).
۴. مهزم بن ابی بردة الاسدی: راوی اول است که بدون واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و از صحابه عامی امام باقر علیه السلام (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۶) و صحابه کوفی امام صادق علیه السلام (همان: ۳۱۴) بوده است و مدح و ذمی درباره او در کتب رجال مشاهده نمی شود. در کافی به نام او اشاره شده، ولی در الغیبه به جای بیان نام وی، کلمه «رجل» آمده است.

۲-۱-۲. سند روایت در کتاب الغیبه نعمانی

«حَدَّثَنَا أَبُو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ

النَّهَائِدِي سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ مَائَتِينَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيُّ سَنَةَ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ مَائَتِينَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۰۳).

این سند با طریقی متفاوت از طرق کافی بیان شده و در آن، نام شخصی که روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده بیان نشده است، و گرچه از لحاظ اتصال، مسند است، سند آن به سبب راوی دوم، ضعیف است:

۱. ابوسلیمان احمد بن هوذة باهلی: از شیوخ اصحاب شمرده شده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۸).

۲. ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نهانندی: «ضعیف است» (بسام، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ۹۴).

۳. عبدالله بن حماد انصاری: ابن ولید و صدوق و ابن نوح او را توثیق کرده‌اند و نجاشی در حق او گفته است که از شیوخ اصحاب ماست (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۸).

۲-۲. بررسی متنی

این حدیث در کتاب‌های روایی در باب صفات و علامات مؤمنان آمده است. امام صادق علیه السلام در این روایت، تعدادی از صفات شیعیان و شیعه‌نمایان را این‌گونه بیان فرموده‌اند: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): يَا مَهْزَمُ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَغْدُو صَوْتُهُ سَمْعَهُ وَلَا شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَلَا يَمْتَدِحُ بِنَا مُؤْمِنًا وَلَا يَجَالِسُ لَنَا عَائِبًا وَلَا يَخَاصِمُ لَنَا قَالِيًا إِنْ لَقِيَ مُؤْمِنًا أَكْرَمَهُ وَإِنْ لَقِيَ جَاهِلًا هَجَرَهُ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِؤَلَاءِ الْمَشْشِيعَةِ قَالَ فِيهِمُ التَّمْيِيزُ وَ فِيهِمُ التَّبْدِيلُ وَ فِيهِمُ التَّمْحِيزُ تَأْتِي عَلَيْهِمْ سُنُونٌ تُفْنِيهِمْ وَ طَاعُونَ يُقْتَلُهُمْ وَ اخْتِلَافٌ يَبْدُدُهُمْ - شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَهْرُ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَلَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغَرَابِ وَلَا يَسْأَلُ عَدُوًّا وَ إِنْ مَاتَ جُوعًا - قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَأَيْنَ أَطْلُبُ هَؤُلَاءِ قَالَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ أَوْلِيكَ الْخَفِيزُ عَيْشُهُمُ الْمُتَقَلَّةُ دِيَارُهُمْ إِنْ شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَ إِنْ غَابُوا لَمْ يَفْتَقِدُوا وَ مِنَ الْمَوْتِ لَا يَجْزَعُونَ وَ فِي الْقُبُورِ يَتَزَاوَرُونَ وَ إِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ دُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ لَنْ تَخْتَلِفَ قُلُوبُهُمْ وَ إِنْ اخْتَلَفَ بِهِمُ الدَّارُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۳۸).

ترجمه: مهزم اسدی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه ما کسی است که صدایش از گوشش تجاوز نکند و دشمنی‌اش از بدنش فراتر نرود و ما را آشکارا نستاند و با عیب‌گوی ما همنشینی نکند

و با دشمن ما ستیزه نکند، اگر مؤمنی را ببیند احترام کند و اگر به جاهلی برخورد از او دوری کند. عرض کردم: پس تکلیف من با این شیعه‌نماها چیست؟ فرمود: در میان آن‌ها جدا شدن (خوب از بد) و تبدیل (خوب و بد) و امتحان واقع شود، قحطی برایشان پیش آید که ناپود شوند و بیماری و بایی که آن‌ها را بکشد و اختلافی که متفرقشان سازد. شیعه ما کسی است که چون سگ عوعو نکند و مانند کلاغ طمع نورزد و اگر از گرسنگی بمیرد، از دشمن ما چیزی نخواهد. گفتم قربانت شوم این‌ها را در کجا بجوییم؟ فرمود: در اطراف زمین، این‌ها زندگی سبکی دارند و آواره به سر برند (در یکجا سکونت ندارند). اگر حاضر باشند کسی آن‌ها را نشناسد، و اگر غایب شوند کسی از آن‌ها جويا نشود، از مرگ باک ندارند و در گورستان از هم دیدن کنند. اگر حاجتمندی به آن‌ها پناهنده شود، برای او دلسوزی کنند. دلشان از هم جدا نیست، اگرچه خانه‌هایشان از هم دور باشد» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۳، ۳۳۵).

۲-۱-۲. اختلاف نقل‌ها و نسخ

ضمن بررسی متن این روایت در کتب مختلف، در مجموع ۲۳ ویژگی برای شیعیان و ۷ ویژگی برای شیعه‌نمایان به دست آمد.

الف) ویژگی‌های شیعیان

صفات بیان شده برای شیعیان در کتب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۳۸)، روضة المتقین (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۱۲، ۲۲)، مرآة العقول (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۹، ۲۶۷)، التمهیص (ابن همام اسکافی، ۱۴۰۴: ج ۷۰)، تحف العقول (حرانی، ۱۴۰۴: ج ۳۷۸)، بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۵، ۱۶۵)، الغیبه (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ج ۲۰۳) به شرح ذیل است:

شِيعَتَنَا مَنْ ۱. لَا يَغْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ؛ ۲. لَا شَحْنَأُوهُ بَدَنَهُ؛ ۳. لَا يَمْتَدِحُ بِنَا مُعَلِنًا؛ ۴. لَا يَجَالِسُ لَنَا عَابًا؛ ۵. لَا يَخَاصِمُ لَنَا قَالِيًا؛ ۶. إِنْ لَقِيَ مُؤْمِنًا أَكْرَمَهُ وَإِنْ لَقِيَ جَاهِلًا هَجَرَهُ؛ ۷. لَا يَهْرُ هَرِيرَ الْكَلْبِ؛ ۸. لَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغُرَابِ؛ ۹. لَا يَسْأَلُ عَدُوَّنَا وَإِنْ مَاتَ جُوعًا؛ ۱۰. أَوْلَيْكَ الْخَفِيضُ عَيْشُهُمُ الْمُتَّقِلَةُ دِيَارُهُمْ؛ ۱۱. إِنْ شَهِدُوا لَمْ يَعْرِفُوا وَإِنْ غَابُوا لَمْ يَفْتَقِدُوا؛ ۱۲. مِنْ أَلْمُوتِ لَا يَجْرَعُونَ؛ ۱۳. وَفِي الْقُبُورِ يَتَزَاوَرُونَ؛ ۱۴. وَإِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ دُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ؛ ۱۵. لَنْ تَخْتَلِفَ قُلُوبُهُمْ وَإِنْ اِخْتَلَفَ بِهِمُ الدَّارُ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۳۸).

علاوه بر ۱۵ صفت فوق، ۸ صفت در التمهیص، تحف العقول، بحار الانوار و الغیبه به این روایت اضافه شده است:

۱۶. إِنْ مَرَضُوا لَمْ يِعَادُوا؛ ۱۷. إِنْ خَطَبُوا لَمْ يَزَوَّجُوا (التمهیص، تحف العقول، بحار

الانوار، الغیبه؛ ۱۸. إِنْ رَأَوْا مُنْكَرًا يَنْكِرُوا؛ ۱۹. إِنْ يَخَاطِبُهُمْ جَاهِلٌ سَلَّمُوا؛ ۲۰. لَا يُوَاصِلُ لَنَا مُبْغِضًا (التمحيص، تحف العقول، بحار الانوار)؛ ۲۱. إِنْ مَاتُوا لَمْ يَشْهَدُوا؛ ۲۲. أَوْلَيْكَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ؛ ۲۳. لَا يَحْدِثُ لَنَا ثَالِبًا وَلَا يَحِبُّ لَنَا مُبْغِضًا وَلَا يَنْغِضُ لَنَا مُجِبًا (الغیبه).

ب) ویژگی‌های شیعه‌نمایان

در ادامه حدیث، برای شیعه‌نمایان نیز شش ویژگی در کتب کافی، التمحيص، مرآة العقول، روضة المتقين، تحف العقول و بحار الانوار برشمرده شده است:

۱. التَّمْيِيزُ؛ ۲. التَّبْدِيلُ؛ ۳. التَّمْحِیصُ؛ ۴. تَأْتِي عَلَيْهِمْ سِنُونَ تُفْنِيهِمْ؛ ۵. طَاعُونَ يُقْتَلُهُمْ؛ ۶. اخْتِلَافٌ يَبْدُدُهُمْ.

در کتب تحف العقول و بحار الانوار که از نسخه نعمانی پیروی می‌کنند، ویژگی شماره ۲ بدین شکل آمده است: «فِيهِمُ التَّنْزِيلُ» و در نسخه الغیبه به جای «طاعون يقتلهم» عبارت «سَيْفٌ يُقْتَلُهُمْ» آمده است.

برخی تفاوت‌های جزئی نیز مشاهده شد که بیشتر حاصل تغییر و تطور ظاهری لغات در نقل و کتابت حدیث بوده است؛ مانند: ۱. لَا شَحْنَأُوهُ (کافی)، لَا شَحْمَةَ (التمحيص)، لَا شَحْنَةَ (تحف العقول و بحار الانوار)؛ ۲. وَ لَا يَمْتَدِحُ (کافی)، لَا يَمْدَحُ (الغیبه)؛ ۳. لَا يَخَاصِمُ لَنَا قَالِيًا (کافی)، لَا يَخَاصِمُ لَنَا وَوَلِيًا (تحف العقول و بحار الانوار)، لَا يَخَاصِمُ بِنَا قَالِيًا (الغیبه)؛ ۴. اخْتَلَفَ بِهِمُ الدَّارُ (کافی)، اخْتَلَفَ بِهِمُ الْبُلْدَانُ (التمحيص، تحف العقول، بحار الانوار، الغیبه)، اخْتَلَفَ بِهِمُ الدِّيَارُ (روضة المتقين)؛ ۵. مِنْ الْمَوْتِ لَا يَجْزَعُونَ (کافی)، عِنْدَ الْمَوْتِ هُمْ لَا يَحْزَنُونَ (التمحيص و بحار الانوار).

چنان‌که گفته شد، همه این موارد گرچه مهم است و متن را دستخوش آسیب ظاهری می‌نماید، در معنا و مفهوم حدیث تأثیر منفی بسزایی ندارد و کاملاً مشهود است که حاصل از خطاهای شنیداری یا نوشتاری هنگام نقل و کتابت است و به اعتبار حدیث لطمه وارد نمی‌کند. فقط، تفاوت در کلمات «طاعون» در نسخه کافی و «سيف» در نسخه نعمانی، سطحی و قابل چشم‌پوشی نیست؛ زیرا اولاً این دو از نظر ظاهری مشابه یکدیگر نیستند که احتمال رود این تغییر به سبب خطای نوشتاری یا شنیداری ایجاد شده باشد؛ ثانیاً این تفاوت در دو نسخه اصلی و معاصر هم دیده می‌شود و به دلیل نزدیکی زمانی

امکان اشتباه در نقل وجود نداشته است؛ ثالثاً این دو واژه از نظر معنایی نیز تفاوت اساسی دارند و احتمال استفاده اشتباه و غیر عمد به سبب وجود تناقض معنایی‌ای که بیان شد، بسیار ضعیف است؛ زیرا هنگام مرگ با طاعون، امکان تفکیک و جداسازی شیعه از شیعه‌نما نیست؛ اما مشخص است که در مرگ با شمشیر که اشاره به جنگ و نزاع دارد، گروهی غالب و گروهی مغلوب‌اند. بنابراین این امکان وجود دارد که به خواست و اراده خداوند، شیعیان اگر واقعی و خالص باشند، همواره مورد لطف خدا قرار گرفته، بر شیعه‌نمایان کذاب پیروز گردند، و شاهد آن، پیروزی‌های سپاهیان صدر اسلام است که به‌رغم کمی نفرات و ادوات جنگی، در بیشتر جنگ‌ها به یاری خدا بر سپاه کفر و شرک پیروز می‌شدند.

۲-۲-۲. نتیجه بررسی متنی

بررسی عبارات موجود در روایات مختلف نشان می‌دهد که این روایت از نظر متن به دو گروه منقولات تقسیم شده است: گروه اول که در نقل، تابع نسخه کلینی هستند؛ مانند *روضه المتقین و مرآة العقول*، و گروه دوم که تابع نسخه نعمانی‌اند؛ مانند *التمحیص*، *تحف العقول و بحار الأنوار*. با معیار قرار دادن این دو نسخه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، دریافته شد که عبارت «طاعون یقتلهم» که در نسخه کلینی آمده، در تمامی کتب دیگر، چه آن‌هایی که از کلینی پیروی کرده‌اند و چه آن‌هایی که در نقل این حدیث از نعمانی تبعیت نموده‌اند، مشترک است و تنها در نسخه نعمانی از عبارت «سیف یقتلهم» استفاده شده و تنها کتابی که در استفاده از این عبارت از نعمانی پیروی کرده، کتاب *معاصر الزام الناصب* است (ر.ک: یزدی حائری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۲۴۸). بنابراین نسخه کلینی به سبب اشتراک تمامی نقل‌ها در این عبارت، به‌عنوان نسخه معیار تحقیق انتخاب شده است.

۳-۲. بررسی صدور

یکی از ویژگی‌های مهم شیعیان، تقیة آن‌هاست که در برخی روایات به صورت مستقیم آمده (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۱۷) و در برخی دیگر به نوعی غیرمستقیم بیان شده است (ر.ک: همان: ج ۱، ۶۸ و ۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۵۷۷). در آیات قرآن کریم نیز به تقیة مؤمنان اقوام گذشته اشاره شده است (ر.ک: آل عمران: ۲۸، نحل: ۱۰۶، یس: ۱۴، صافات: ۸۳-۹۳، غافر: ۲۸). علما و فقهای شیعه نیز با استناد به آیات و روایات، بر

تقیه صحه گذاشته و نسبت به وجوب آن حکم داده‌اند؛ مثلاً شیخ مفید تقیه را کنمان حق و پنهان نمودن اعتقاد باطنی در برابر مخالفان به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی تعریف نموده و تنها زمانی آن را مجاز می‌شمارد که فرد به طور قطع یا با احتمال قوی از بیان حق دچار اضطراب گردد و در غیر این صورت، وی را مجاز به انجام تقیه نمی‌داند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۳۷). عملاً تقیه به عنوان سپر دفاعی در تاریخ سیاسی و فقهی شیعه کاربرد بیشتری داشته است و به همین دلیل برخی محققان اهل سنت تقیه را منحصر به شیعه و عامل نفاق و ضعف قلمداد می‌کنند؛ اما درحقیقت، تقیه اصلی اسلامی و مورد تأیید قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام است و در ادوار مختلف، موجب حفظ موجودیت شیعیان و آثار علمی و مذهبی آنان شده است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۶۳).

با این مقدمه، علت و زمینه صدور روایت مورد بحث اندکی روشن می‌گردد؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، اولاً بسیاری از سخنان ائمه علیهم السلام در شرایط تقیه صادر شده و شامل معنایی متفاوت از ظاهر کلام بوده است؛ ثانیاً با توجه به شرایط حاکم بر جامعه شیعیان برای حفظ جان خود، غالباً ناگزیر از انجام تقیه بوده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۱۹-۲۲۰؛ ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ۲۲۹، ح ۱۱ و ۲۱۰، ح ۲۲). همین امر، مستلزم پدید آمدن شیعه‌نمایان نیز می‌گردد؛ زیرا حکام جور و خلفا برای شناسایی و نفوذ به جمع شیعیان و دستگیری آن‌ها چاره‌ای نداشتند جز آنکه از عوامل و جاسوسانی که تظاهر به تشیع نمایند استفاده کنند. همچنین از آنجاکه در منابع تاریخی و روایی، سبب صدور مشخصی برای این روایت یافت نشد، این احتمال وجود دارد که امام در شرایط تقیه، برای آگاه نمودن مردم و شیعیان، این حدیث را بیان فرموده‌اند. به همین دلیل درخصوص مرگ شیعه‌نمایان با طاعون، ظاهر کلام با آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، سازگار نیست. این امر با علوم طبیعی و مشاهدات تجربی به سادگی قابل اثبات است. بنابراین برای اثبات کلامی صحت مفهومی این روایت، می‌توان از دو فرضیه واژگانی صدور کلام کمک گرفت و از طریق دستیابی به معنا و کاربرد کلمه «طاعون»، به کشف مفهوم واقعی روایت پرداخت.

الف) فرض اول صدور کلام

ممکن است در اصل روایت، به جای واژه «طاعون» کلمه دیگری بوده که با این واژه،

اشتراک معنایی داشته است؛ بنابراین برخی کاتبان و ناقلان حدیث، دچار سهل‌انگاری یا خطا شده و از کلمه مترادف آن یعنی طاعون استفاده کرده‌اند و با گذشت زمان و استفاده مکرر از واژه «طاعون» به جای واژه اولیه، حدیث دچار تطور کامل ظاهری در این لغت شده است.

ب) فرض دوم صدور کلام

ممکن است در اصل روایت، واژه «طاعون» به کار رفته باشد؛ اما در آن زمان، این کلمه، مشترک لفظی برای معنای دیگری نیز بوده باشد که با گذشت زمان و استفاده مکرر از واژه «طاعون» در معنای بیماری، دیگر در معنای عصر صدور کلام رایج نیست و به‌طور کامل به معنای بیماری منقول گشته است و به همین دلیل، این حدیث دچار تطور کامل معنایی در این لغت شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به رویکرد معناشناسی ساختارگرا که در دهه‌های اخیر ظهور و بروز یافته است و معنا را درون دستگاه زبان در نظر می‌گیرد، برای اثبات فرضیه‌های مذکور درباره واژه «طاعون» در دستگاه زبان، باید معنای لفظی و استعمالی عبارت براساس بسامدهای واژگانی در لغت‌نامه‌ها، و بسامدهای اصطلاحی و کاربردی در آیات و روایات، بررسی و تحلیل گردد. گرچه پیش از آن و در ابتدای روند تحقیق، باید صحت ادعای «تخصیص هلاکت با طاعون به شیعه‌نمایان» که از نظر عقلایی دارای ابهام است نیز اثبات گردد. بنابراین، ابتدا با استدلال به شواهد تاریخی و طبی، تناقض مفهومی این عبارت را با حقایق تجربی اثبات نموده و سپس با رویکرد معناشناسی ساختارگرایانه به کشف معنای واقعی پرداخته خواهد شد.

۳-۱. بررسی عبارت «مرگ شیعه‌نمایان با طاعون» براساس عقل و منابع تاریخی

برای اثبات تناقض مفهومی تخصیص مرگ با طاعون به یک گروه خاص با واقعیات علمی و عقلانی، باید ماهیت این بیماری و علت مرگ آن تبیین گردد و سپس با استفاده از شواهد تاریخی، تناقض آن با حقایق تجربی نیز اثبات گردد.

۳-۱-۱. توصیف بیماری طاعون و علل ابتلا و شیوع آن از نظر پزشکان دوره اسلامی
طاعون یکی از قدیمی‌ترین بیماری‌های عفونی باکتریال واگیردار مشترک بین انسان و

حیوان با مرگ‌ومیر بالا است که قدمتی پنج‌هزارساله دارد. اکثر اطبای قدیم نوعی از آماس را که از تعفن اخلاط امتزاج‌یافته دم و صفرا در بخش غددی بدن ایجاد شوند و ترشح چرکین پیدا کنند، طاعون می‌خوانند. برخی نیز به‌طور کلی هر ورم مهلک و بسیار حاد را طاعون می‌دانند (ر.ک: زارع و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۸). براساس شواهد تاریخی، بیماری‌های واگیر نظیر طاعون غالباً در مناطقی بیشتر شایع بوده که جنگ و کشتار دسته‌جمعی در آن‌ها رخ داده است؛ زیرا به‌دلیل پاک‌سازی نکردن محیط از خون و آلودگی‌های ناشی از اجساد رهاشده، ویروس‌های عفونی تولید و در هوا منتشر می‌شده است (ر.ک: راوندی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۳۴۴).

حکیمان طب ایرانی، علت بیماری‌های واگیر را فساد آب‌وهوا بیان می‌کنند و از آن به «هوای وبایی» تعبیر می‌نمایند. مزاج فصول، میزان رطوبت، بارندگی و وزش باد نیز در بروز و شیوع بیماری‌های واگیر مؤثر است (ر.ک: نصری رودسری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۹). براساس طب سنتی ایران، علل فردی نیز می‌توانند عامل طاعون شوند؛ داشتن مزاج نامتعادل، افزایش صفرا، گرسنگی بیش از حد یا پرخوری افراطی، گرمی بیش از حد در مزاج و حتی وهم و خوف و ترس از جمله عواملی هستند که می‌توانند استعداد ابتلا به بیماری‌های همه‌گیر نظیر طاعون را بالا ببرند (ر.ک: زارع و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰؛ ابن‌سینا، ۱۳۶۸: ۱۸۶-۱۹۲).

۳-۲. همه‌گیری طاعون براساس منابع تاریخی اسلامی

گزارش‌های متعددی درباره بروز طاعون در کشورهای مختلف اسلامی در قرون گذشته وجود دارد. احتمالاً کهن‌ترین همه‌گیری طاعونی در سال ۱۸ هجری در شام رخ داده است و دامنه انتشار آن تا سایر سرزمین‌های اسلامی گسترش یافته و تا سال ۲۰ هجری ادامه داشته است. اپیدمی مهم دیگر، در سال ۵۳ قمری در کوفه رخ داده که تا چندین سال پس از آن به‌صورت مکرر شیوع پیدا می‌کرده؛ نظیر همه‌گیری طاعون که در سال‌های ۶۸ در شام و بصره و واسط، ۷۰ در بصره و ۷۹ تا ۸۰ هجری در شام رخ داده است. در سال ۱۰۷ در یمن و شام و ۱۱۵ و ۱۱۶ مجدداً در شام، اپیدمی طاعون گزارش شده است. در سال‌های ۱۳۰ تا ۱۳۲ و همچنین ۲۲۰ هجری در بصره طاعون فراگیر گزارش شده است. در سایر ممالک اسلامی نیز طی قرون بعد شیوع طاعون به کرات

گزارش شده نظیر سال‌های ۲۹۹ در ایران، ۴۹۳ در بغداد، ۷۴۹ در دمشق، ۷۵۰ در بغداد، ۷۴۶ در قاهره و در سال ۸۱۸ در سراسر مصر. هرات در ایران بیش از سایر شهرهای ایران متحمل این بیماری می‌شده؛ مثلاً در طی سال‌های ۸۳۸، ۸۶۵ و ۸۸۸ به نظر می‌رسد در کشور عراق شام بیش از بقیه طاعون‌خیز بوده است (ر.ک: جلادت و مصطفوی، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

۳-۱-۳. نتیجه‌گیری بررسی طاعون در منابع طبّی و تاریخی

نتیجه بررسی علمی بیماری طاعون نشان داد که این بیماری یک مرض همه‌گیر است که ریشه باکتریایی دارد و آلودگی محیطی موجب بروز آن می‌شود و عوامل محیطی و فردی باعث افزایش استعداد و زمینه ابتلا به این بیماری، شدت و سرعت شیوع آن می‌گردد. آنچنان‌که مشخص است، طاعون را یک بیماری واگیر از طریق هوا دانسته‌اند و حتی شرایط برخی سرزمین‌ها را برای بروز طاعون مساعد می‌دانند. در منابع تاریخی که مستندترین منابع علمی در دسترس از گذشتگان هستند، هیچ موردی مبنی بر اینکه گروه خاصی به دلیل عقاید، رفتار یا افکار خاصی گرفتار این بیماری شده باشند، مشاهده نشد و تمامی همه‌گیری‌هایی که در منابع تاریخی گزارش شده، از بُعد علمی و طبیعی بررسی و گزارش شده‌اند. بنابراین براساس معیار عقل بشری، علوم طبیعی و منابع تاریخی و طبّی، تخصیص این نوع مرگ به گروه شیعه‌نمایان کاملاً مردود می‌نماید. به‌علاوه براساس شواهد تاریخی که ذکر شد، اغلب شهرهایی که گرفتار طاعون شدند، دارای مذهب تشیع نبوده، به همین سبب از بُعد عقلانی و منطقی دلیلی برای تظاهر ساکنان آن‌ها به تشیع قابل تصور نیست.

۳-۲. بررسی عبارت «مرگ شیعه‌نمایان با طاعون» براساس بسامدهای واژگانی

نخستین گام در یافتن معنای استعمالی واژه‌ها در عصر صدور احادیث، یافتن معانی مختلف و مترادف‌های واژه در لغت‌نامه‌ها و منابع اولیه لغت‌شناسی است. بدین منظور واژه طاعون در کتاب‌های لغوی متقدم بررسی گردید.

۳-۲-۱. معنای طاعون در کتاب‌های لغوی

طاعون در اصل از ریشه «ط ع ن» اخذ شده است که فاء الفعل آن، هم می‌تواند مفتوح و هم مضموم باشد. در حالت مفتوح (طَعَنَ) به معنای «زدن و وارد شدن» و در حالت

مضموم (طَعْن) به معنای «طاعون گرفتن» است. بنابراین «طَعْن» کسی را گویند که به او ضربه وارد شده - این ضربه ممکن است با یک شیء مثل نیزه باشد یا با کلام مثل انتقاد تند یا ناسزاگویی - و «مَطْعُون» به کسی گویند که به بیماری طاعون مبتلا شده است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۵). ابن فارس نیز معنای ثابتی برای «ط ع ن» قائل است که عبارت است از ضربه زدن که به شیء مضر و نفوذ کند، و معتقد است این ریشه به همراه کلمات دیگر که بیاید، بر معانی دیگری حمل می‌شود که از همان معنای ضربه و نفوذ به شیء عاریت گرفته شده، مثلاً «هم مطاعین فی الحرب» اشاره به مجروحان جنگ دارد یا «رجل طعان فی أعراض الناس» یعنی آنکه به مردم دشنام و ناسزا بگوید (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۴۱۲). نتیجه اینکه ریشه مفتوح «طعن» از نفوذ ضربه و زخم حاصل از آن در شیء حکایت دارد؛ مانند «طَعْن بالرمح» به معنی با نیزه زخم زدن و ریشه مضموم آن به «نوعی بیماری همه‌گیر و وبایی» اشاره دارد؛ مانند «طَعْن الرجل» به معنای آن مرد بیماری طاعون گرفت.

۲-۲-۳. مترادف‌های طاعون در کتاب‌های لغوی

مترادف طاعون در عربی، «وَبَا» و «جَارْف» هستند. و با به معنای هر نوع بیماری همه‌گیر است (ر.ک: همان: ج ۸، ۴۱۸). در معجم طیبی الماء آن را چیزی دانند که هوا را فاسد کرده و در نتیجه مزاج و بدن آدمی را نیز فاسد می‌نماید (ر.ک: ازدی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۸۲۹). در الصحاح به معنی مرگ زودرس نیز آمده است (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۱۵۸)؛ یعنی مرگی که به واسطه کھولت سن نباشد و بر اثر حادثه یا بیماری یا هر چیز ناگهانی رخ دهد. در مجمع نیز به معنای مرگ‌های متعدد آمده است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۲۷۶).

«الجارف» نیز به معنای «مرگ عمومی» (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۴، ۱۳۳۶) و «شومی و بلا» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۱۱۱)، «مرگ‌های متعدد» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۹۱) و نیز «مرگ سریع» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۲۹۰، پاورقی) است. این واژه، هم مترادف طاعون آمده و هم صفتی برای طاعون و مرگ است: «الطاعون الجارف»، «الموت الجارف» (ابن سیده، بی تا: ج ۶، ۱۲۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۳۸۹).

۳-۲-۳. کاربرد طاعون در کتاب‌های لغوی

نکته اول که در بررسی «طاعون» با معاجم و لغت‌نامه‌ها به دست آمد، حاکی از آن است که «طاعون» در تمامی لغت‌نامه‌ها، با فعل «أصابَ و طَعِنَ» همراه شده و در هیچ‌کجا مانند آنچه در این حدیث به کار رفته است، همراه فعل «قَتَلَ» نیامده، بلکه این ریشه در معنای مرگ با ادوات جنگی یا «قتل» کاربرد دارد: «الطُّغْنُ» بمعنی «القتل بالرماح» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۲۷۶).

نکته دوم آنکه، طاعون به معنای بیماری همه‌گیر همواره معنایی منفی داشته؛ یعنی امری است که همیشه منفور و رعب‌آور است و هرگز مورد پسند، میل و رغبت نبوده و نخواهد بود.

۳-۲-۴. نتیجه‌گیری بررسی واژگانی

الف) از آنجاکه «طاعون» از ریشه سه‌حرفی «ط ع ن» گرفته شده، در این روایت علاوه بر بیماری، ممکن است در معنای مرگ جسمانی بر اثر ضربه نیز آمده باشد؛ زیرا با فعل «قتل» همراه شده و اگر غرض معنای مرگ جسمانی با بیماری بود، با فعل «اصاب» همراه می‌گردید.

ب) چنان‌که در بررسی متون مختلف مشاهده شد، در روایت نعمانی که هم‌عصر کلینی است، به جای واژه «طاعون» از «سیف» که با ریشه کلمه «طاعون» در معنای «ضربه زدن» تناسب دارد، استفاده شده است (ر.ک: ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۲۰۳). از این رو فرضیه‌های تحقیق که از نظر صدور واژگان بیان شد، در دو حالت ذیل محتمل و قابل پذیرش هستند و می‌توان ثابت کرد که طاعون در این روایت در معنای بیماری نبوده، بلکه به معنای مرگ جسمانی یا کشته شدن سریع با «ادوات جنگی» است:

۱- اثبات واژگانی فرض اول: ممکن است اصل کلام از مشتقات «طَعِنَ» به معنای «با ضربه کشتن» بوده باشد. بنابراین برخی کاتبان یا ناقلان حدیث، به جهت اشتراک معنایی بین آن واژه و کلمات «سیف و طاعون» سهواً یا عمداً از کلمه «طاعون» و برخی دیگر از واژه «سیف» با این معنا استفاده کرده‌اند.

۲. اثبات واژگانی فرض دوم: ممکن است اصل روایت «طاعون یقتلهم» بوده باشد که هنگام صدور از زبان معصوم علیه السلام معنای «کشته شدن شیعه‌نمایان با

شمشیر یا نیزه» را داشته و به دلایلی که درخصوص تقیه گفته شد، امام صادق علیه السلام از اشاره صریح به قتل شیعه‌نمایان با شمشیر پرهیز نموده و از طاعون استفاده کرده است. بنابراین به واسطه همین معنای دوم «طاعون» و اشتراک آن با مرگ به وسیله ضربه شمشیر، در نسخه نعمانی واژه «سیف» جایگزین «طاعون» شده است.

۳-۳. بررسی عبارت «مرگ شیعه‌نمایان با طاعون» براساس مفهوم مرگ در قرآن کریم

لازمه اعتقاد به معاد و حیات ابدی، پذیرش مرگ کالبد است (زمر: ۴۲)؛ به همین دلیل یکی از موضوعاتی که قرآن کریم از وجوه مختلف بدان پرداخته، مسئله مرگ است (آل عمران: ۱۸۵؛ نساء: ۷۸؛ لقمان: ۳۴؛ منافقون: ۱۱). از طرفی مسئله مرگ همواره موضوعی ناشناخته و موجب ترس و وحشت بشر بوده است (جمعه: ۸) تا جایی که حتی پیامبران الهی نیز به‌رغم اعتقاد به معاد و زندگی جاویدان، درصدد شناخت ماهیت مرگ در این دنیا بوده‌اند (قصص: ۳۳؛ بقره: ۲۶۰). حتی کسانی که به رستاخیز و زندگی اخروی ایمان ندارند، نیز از مرگ می‌هراسند؛ زیرا مرگ را به معنای از بین رفتن و نیستی و نابودی می‌دانند. از این رو از سرنوشتی که در پایان زندگی به آن می‌رسند، بیم‌ناک‌اند (ر.ک: نجاتی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

ماهیت وجودی مرگ کالبد براساس مفاهیم قرآن کریم، دو گونه است: یکی مرگ حتمی و گریزناپذیر، که برای تمامی جانداران مقدر گشته و از آن به اجل مسمّا تعبیر شده است (ر.ک: آل عمران: ۱۴۵؛ انعام: ۲؛ فاطر: ۴۵؛ واقعه: ۶۰)؛ یعنی هیچ جنبنده‌ای نمی‌میرد مگر تا سرآمد زمان حیات او در زندگی دنیایی که خداوند از قبل برایش تعیین فرموده و در علم الهی محفوظ است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۷۵). دیگری مرگ مشروط، که به برخی انسان‌ها اختصاص یافته و به دلایلی خاص، زمان آن تغییر می‌کند؛ از این نوع مرگ نیز به اجل معلق تعبیر شده است (ر.ک: نوح: ۴؛ یقیناً مِنْهُ مَا شَاءَ وَ يُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا شَاءَ) (مجلسی، بی تا: ج ۴، ۱۱۶). براساس روایات، اجل مسمّا ممکن است بنا به دلایلی مانند ایمان، عبادت و تقوا، صلّه رحم، استغفار، اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله، زیارت امام حسین علیه السلام، صدقه، شکر فراوان و... مورد تأخیر، یا به واسطه گناهانی همچون

دروغ‌گویی، سوگند دروغ، بستن راه مسلمانان و... مورد تعجیل قرار بگیرد (ر.ک: علیان‌سب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۱۱؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۶۳). از جمله دلایلی که براساس آیات، موجب تعجیل در اجل مسمّا می‌شود، عبارت‌اند از: ۱. عذاب خداوند برای گناهکاران (هود: ۸۹)؛ ۲. امتحان و آزمایش الهی برای برخی بندگان (بقره: ۱۵۵؛ عنکبوت: ۲) (ر.ک: بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۴۳). درخصوص مرگ شیعه‌نمایان از بیماری طاعون، هر دو نوع مرگ می‌باید مورد واکاوی قرار گیرد تا مشخص گردد این نوع مرگ، برای گروه شیعه‌نمایان اجل حتمی و مقدر آن‌هاست، یا اجل غیر حتمی و معلق که به واسطه دلایلی خاص بدان گرفتار آیند.

به نوع دیگری از مرگ نیز در قرآن کریم اشاره شده و آن مرگ قلب و روح است (بقره: ۷ و ۸؛ آل عمران: ۸۷؛ مائده: ۱۳؛ انعام: ۴۳؛ اعراف: ۱۷۹). این مرگ نیز مانند اجل معلق تنها به آدمی اختصاص دارد. از آنجاکه در این روایت طاعون به مرگ گروهی از افراد گنهکار اشاره دارد، می‌توان این فرض را نیز در نظر گرفت که مرگ شیعه‌نمایان همان مرگ قلب و روح آن‌هاست که اثر وضعی و حتمی عمل ایشان است.

۳-۳-۱. اجل مُسَمّا عامل مرگ شیعه‌نمایان به وسیله طاعون

از آنجاکه این عالم براساس رابطه علی و معلولی آفریده شده و خداوند برای هر امری اسباب و عللی قرار داده، برای مرگ نیز اسبابی تکوینی مقدر فرموده است. بنابراین می‌توان فرض نمود خداوند مقدر و حتمی فرموده کسانی که با اهداف ناصواب تظاهر به تشیع می‌کنند، گرفتار چنین مرگی شوند، یعنی علت مرگ آن‌ها، تظاهرشان به تشیع باشد. آنگاه با توجه به همان نظام علی و معلولی و قانون‌مند تکوینی، که این مرگ را برای این‌گونه اشخاص حتمی نموده است، دو معلول دیگر نیز جبراً حاصل می‌شود:

الف) با توجه به اینکه همواره در تمامی ادوار تاریخ پس از اسلام افرادی منافق و شیعه‌نما وجود داشته‌اند، بیماری طاعون نباید هرگز و در هیچ زمانی از بین برود؛ درحالی‌که نه در قرون گذشته چنین چیزی مشاهده شده، و نه امروزه، که با توجه به رشد علوم پزشکی و به سبب واکسیناسیون عمومی، همه‌گیری‌هایی نظیر وبا و طاعون و... نسبت به گذشته کاهش چشمگیر و حداکثری داشته است.

ب) اگر این بیماری براساس اسباب و علل معین الهی به شیعه‌نمایان اختصاص داشته

باشد، شیعیان واقعی همواره باید از آن مصون باشند و هرگز بدان گرفتار نشوند؛ درحالی‌که با توجه به علوم طبیعی و عقل سلیم این موضوع درباره یک بیماری همه‌گیر غیرقابل پذیرش است و در منابع تاریخی نیز نه تنها به چنین چیزی اشاره نشده، بلکه برعکس گاهی به ذکر نام برخی افراد صالح و نامدار که به واسطه طاعون در گذشته‌اند، اشاره شده است (ر.ک: جلادت و مصطفوی، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

نتیجه آنکه این فرض از نظر عقل و شواهد تجربی، در عالم مادی باطل می‌نماید. بنابراین گرچه مرگ شیعه‌نمایان به وسیله طاعون، اجل حتمی آن‌هاست، استحقاقشان در هلاکت با طاعون به دلیل خطا یا گناهشان نیست؛ چنان‌که برای شیعیان واقعی نیز چنین مرگی وجود دارد و امکان گریز از آن را ندارند؛ بلکه اجل مسمّا درخصوص این بیماری و سایر انواع مرگ بدین معناست که مدت‌زمان حیات آن‌ها در این دنیا به سر آمده، و این مرگ برای ایشان در علم الهی از پیش تعیین شده است و لحظه‌ای عقب یا جلو نخواهد رفت (اعراف: ۳۴؛ فاطر: ۱۱؛ منافقون: ۱۱).

۳-۲. اجل معلق عامل مرگ شیعه‌نمایان به وسیله طاعون

با توجه به اینکه اجل معلق به واسطه برخی دلایل رخ می‌دهد، و عواملی اعم از مادی (علیانسب و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۶۳) و غیرمادی در آن دخیل‌اند، در اینجا دو فرض پیش می‌آید:

فرض اول: ممکن است این نوع مرگ برای شیعه‌نمایان مصداق عذاب الهی باشد؛ همانند عذابی که اقوام گذشته به واسطه ظلم، کفر و ستمگری‌شان بدان گرفتار آمدند (اعراف: ۱۳۳-۱۴۰؛ حجر: ۷۳-۷۴). این نوع عذاب را استیصال گویند؛ یعنی عذابی که بر اثر آن، تمامی افراد یک گروه یا قوم نابود می‌شوند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۲۹). اما با توجه به اینکه خواست الهی بر آن تعلق گرفته که هنگام نزول عذاب استیصال بر قوم گنهکار، نیکان و مؤمنان آن قوم از این عذاب در امان باشند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۴۷) و گرفتار عذاب استیصال نشوند (انفال: ۳۳؛ عنکبوت: ۳۱ و ۳۲) و با توجه به آنکه هنگام شیوع طاعون هر شخصی که در محیط باشد بیمار می‌شود و شیعیان نیز قاعدتاً گرفتار می‌شوند، پس این عذاب استیصال نیست. گرچه ممکن است چنین اشکال شود که اولاً منظور از نیکان در این روایات، افراد خاصی مانند انبیا و اولیای الهی باشند؛

ثانیاً در مقابل این روایات، آیات و روایاتی نیز داریم که با آمدن بلائی عمومی، افرادی که مرتکب گناه نشدند نیز در بلا می‌سوزند (انفال: ۲۵).

در پاسخ به اشکال اول با اشاره به آیه ۳۳ سوره انفال باید گفت که عذاب الهی به دو شرط بر قوم گنهکار نازل نمی‌گردد: ۱. حضور ولی خدا در میان آنان؛ ۲. زمانی که مؤمنینی در میان آن‌ها به استغفار الهی مشغول باشند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۸۲۹). در برخی تفاسیر عرفانی آمده که منظور از استغفار همان توحید الهی است که در دل مؤمنان وجود دارد (ر.ک: میبدی، ۱۳۷۱: ج ۴، ۴۱). پس در صورتی که ولی خدا هم در بین قومی حضور جسمانی نداشته باشد، به دلیل وجود مؤمنان موحد عذاب استیصال بر آن قوم وارد نمی‌شود؛

پاسخ به اشکال دوم نیز آن است که عذاب الهی زمانی خشک و تر را با هم می‌سوزاند که آن گروه غیرگنهکار در برابر گناه سایرین بی تفاوت باشند و به هیچ وجهی اقدام به مقابله با ظلم و گناه آن‌ها ننمایند؛ برخی آیات (انفال: ۲۵؛ اعراف: ۱۶۵؛ هود: ۶۶) و روایات (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۵۷؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۸، خطبه ۱۲۹) نیز به این موضوع اشاره دارند.

بنابراین به دلیل وجود شیعیان واقعی، احتمال آنکه هلاکت از طاعون عذاب استیصال باشد مرتفع است؛ ولی ممکن است عذاب تنبیهی باشد که مؤمن و کافر در صورت انجام گناه بدان گرفتار می‌گردند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۴۳)؛ اما از آنجاکه حکمت و عدالت الهی و سنت‌ها و قوانین ثابت نظام تکوینی عالم اقتضا می‌کند که عذاب تنبیهی نیز تنها به گنهکاران تعلق گیرد و برای تنبیه آنان نازل گردد، شیعیان واقعی نباید همراه با شیعه‌نمایان از طاعون که مرگی فجیع و دردناک است هلاک شوند. در نتیجه، پذیرش این فرض که هلاکت شیعه‌نمایان از بیماری طاعون همواره عذاب الهی باشد، احتمالی بعید است.

فرض دوم: چنان‌که بیان شد، همه اقشار به این بیماری مبتلا می‌گردند؛ بنابراین ممکن است این بیماری و مرگ ناشی از آن آزمایش و ابتلا باشد و براساس کلام علی ع برای گناهکاران تأدیب و برای مؤمنین امتحان است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۴، ۲۳۵). اما پذیرش این احتمال نیز با متن روایت مورد بحث مبنی بر تخصیص هلاکت با طاعون به

شیعه‌نمایان در تناقض و پذیرش آن دور باطل است و بر اعتبار حدیث خدشه وارد می‌کند؛ بنابراین فرض اخیر نیز مردود می‌نماید.

۳-۴. مرگ با طاعون مصداق مرگ قلب و روح شیعه‌نمایان

برای مرگ قلب و روح آدمی، در قرآن کریم علل فراوان و عواقب مختلفی بیان شده است؛ روایات متعددی نیز به این موضوع پرداخته‌اند که نشان از اهمیت مسئله دارد. اگر معنای مجازی «طاعون» در این روایت شبیه معنای «موت» و به معنای «مرگ دل، قلب و کوردلی» باشد، این مرگ مساوی خواهد بود با مرگ انسانیت و سلب توفیقات از شیعه‌نمایان و حتی سرایت این نفاق برای دیگران هم شبیه طاعون خواهد بود. برای دریافت چنین معنایی باید به سیاق جمله و بافت معنایی کلمات هم‌نشین توجه نمود؛ همچنین سایر روایات مشتمل بر کلمه «طاعون» باید تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۳-۴-۱. بررسی بافت معنایی کلمات هم‌نشین در روایت

پذیرش معنای مرگ قلب برای «طاعون» و هم‌نشینی آن با فعل «یقتلهم» چنین معنایی را به ذهن متبادر می‌نماید که «قساوت قلب آن‌ها موجب هلاکشان می‌گردد»؛ صفاتی که ماقبل این عبارت به شیعه‌نمایان نسبت داده شده عبارت‌اند از: «جدایی، دگرگونی، ابتلا، قحطی خانمان‌سوز» و صفت مابعد از آن عبارت است از: «ابتلا به اختلافی جدایی‌افکن». واضح است که همه موارد فوق در صورت وقوع، دارای یک نتیجه مشترک‌اند و آن توجه دائم شخص به خودش و توجه نکردن به حال دیگران است؛ قطعاً در شرایطی که افراد، اتحاد روحی و عاطفی و معنوی خود را به دلیل مشکلات از دست بدهند، دچار ترس شده، قلب‌هایشان زایل گشته، اتحاد اجتماعی خود را نیز از دست خواهند داد، و سرنوشتی جز شکست و هلاکت نمی‌توان برایشان متصور شد. آیات ۸ تا ۲۰ سوره حشر نیز بدین معنا اشاره دارند و با تحسین و ستایش مسلمانان صدر اسلام به شیوه تشویقی، و شرح حال نفاق‌آلود یهودیان و منافقان به شیوه انذاری، این مهم را به مؤمنان گوشزد نموده است. بنابراین بعید نمی‌نماید که معنای مجازی این روایت درباره شیعه‌نمایان، پیشگویی امام نسبت به چنین سرانجامی برای ایشان بوده باشد.

۳-۴-۲. بررسی سایر روایات مشتمل بر واژه طاعون

در اثبات احتمال فوق، بررسی سایر روایات نشان داد که طاعون همواره معنای بیماری

ندارد و گاهی به معنایی مجازی و معنوی استفاده شده است، که با هدفی خاص مثلاً نشان دادن کراهت امری مشخص، به شکل ایجاز در کلام بیان شده است؛ فی‌المثل در حدیث پیامبر ﷺ مبنی بر پرهیز از ازدواج در ماه شوال، آن را به طاعون تشبیه نموده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵۶۳)، یا در حدیثی از امام رضا علیه السلام طاعون برای گروهی رحمت و برای گروهی دیگر عذاب معرفی شده (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲). همچنین در حدیثی از امام باقر علیه السلام نتیجه شیوع زناى علنی در یک قوم را آشکار شدن طاعون و دردهایی که در میان اقوام گذشته سابقه نداشته است معرفی می‌کند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۷۳). در مورد اخیر، کلینی به نقل از مجلسی علت بیان چنین عقوبتی را تناسب عقوبت با گناه معرفی نموده است؛ زیرا همان‌طور که طاعون موجب قطع نسل است، در زنا نیز ضایع کردن نسل وجود دارد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۹: ج ۴، ۸۱). بنابراین استعمال واژه طاعون در روایات فوق، حاکی از آن است که احتمال وجود معنایی غیر از بیماری و مرگ جسمانی برای «طاعون» محتمل بوده و این کلمه می‌تواند در روایت مورد بحث مقاله حاضر نیز، مجاز از مرگ قلب و روح شیعه‌نمایان به کار رفته باشد.

۳-۴-۳. نتیجه‌گیری تحلیل مرگ شیعه‌نمایان از طاعون براساس آیات

نتیجه بررسی آیات مرگ جسمانی، حاکی از آن است که عبارت «طاعون یقتلهم» در معنای مرگ با بیماری همه‌گیر، قابل تخصیص به یک گروه معین نیست و اشاره به مرگی دیگر و قابل تخصیص دارد؛ زیرا مرگ بر اثر بیماری طاعون با توجه به همه‌گیر بودن آن، اولاً گرچه اجل مسماست قابل تخصیص به شیعه‌نمایان نیست، ثانیاً اگر اجل معلق برای تنبیه شیعه‌نمایان و آزمایش شیعیان باشد، با اصل روایت و تخصیص آن به شیعه‌نمایان در تناقض خواهد بود. همچنین نتیجه بررسی آیات مرگ غیرجسمانی نشان داد اگر معنای مجازی «قساوت و موت قلب و روح» را نیز نسبت به شیعه‌نمایان بپذیریم، باز هم «طاعون» در این روایت معرف معنای «بیماری همه‌گیر» نخواهد بود.

۴. بررسی عبارت «مرگ شیعه‌نمایان با طاعون» براساس روایات مشابه و هم‌خانواده

روایاتی با این مضمون در کتب روایی شیعی کمتر دیده می‌شود و غالباً کتاب‌های روایی

اهل سنت به چنین احادیثی پرداخته‌اند. در اندک روایات موجود در منابع شیعی شامل این موضوع، طاعون امری نامطلوب و منحوس معرفی شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۷۳، ح ۱) و هلاکت با طاعون غالباً به دشمنان شیعیان اختصاص دارد (ر.ک: ابن‌بابویه، ۴۱۳ق: ج ۱، ۱۸۹، ح ۵۷۸)؛ اما در کتاب‌های روایی اهل سنت در کمال تناقض مشاهده می‌شود که مرگ با طاعون گرچه عذابی از جانب پروردگار بر قوم بنی‌اسرائیل معرفی شده (ر.ک: مالک بن انس، ۴۲۵ق: ج ۵، ۱۳۱۹، ح ۶۷۴)، دارای فضیلت و مایه رحمت پروردگار است! (ر.ک: ابن‌حنبل، ۴۱۶ق: ج ۳، ۲۲۵، ح ۱۶۹۷) و کسانی که بر اثر بیماری طاعون از بین می‌روند، هم‌رتبه شهدا (ر.ک: بخاری، ۴۱۰ق: ج ۵، ۶۰، ح ۲۵۳۴ و ۲۵۳۵) و دارای اجر مجاهدان و صابران در راه خدا هستند (ر.ک: ابن‌حنبل، ۴۱۶ق: ج ۲۳، ۱۰۶، ح ۱۴۷۹۳) و فرار از طاعون را مانند فرار از دشمن در معرکه نبرد مجاز نمی‌شمارند (ر.ک: همان: ج ۴۲، ۵۳، ح ۲۵۱۱۸).

این کتاب‌ها ابوابی را به‌طور خاص به این احادیث اختصاص داده (بخاری، ۴۱۰ق: ج ۹، ۱۳۳؛ قشیری، ۴۱۲ق: ج ۲، ۱۰۰۵؛ طیبی، ۴۱۹ق: ج ۳، ۱۳۵۶؛ ترمذی، ۴۱۹ق: ج ۳، ۲۴۶؛ نسائی، بی‌تا، ج ۴، ۳۶۳) و در ستایش مرگ با طاعون تا آنجا پیش رفته‌اند که در چندین حدیث از قول پیامبر ﷺ نقل شده است: ایشان برای امت خویش دعا فرمودند که عاقبت به وسیله طاعون بمیرند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فَنَاءَ أُمَّتِي فِي الطَّاعُونِ» (ابن‌حنبل، ۴۱۶ق: ج ۳۲، ۵۲۱). این روایت با اندکی تفاوت در کتاب‌های لغوی و پزشکی بدین شکل گزارش شده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فَنَاءَ أُمَّتِي بِالطَّعْنِ وَ الطَّاعُونِ»: الفائق فی غریب الحدیث (زمخشری، ۴۱۷ق: ج ۴، ۲۰)، لسان‌العرب (ابن‌منظور، ۴۱۴ق: ج ۱۴، ۲۵۸)، النهایه (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۲۲)، الماء (ازدی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۸۳۰)، مجمع‌البحرین (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۴۲). روایتی دیگر نیز از قول پیامبر ﷺ در لغت‌نامه‌های الفائق (زمخشری، ۴۱۷ق: ج ۴، ۴۲)، النهایه (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۶۲)، لسان‌العرب (ابن‌منظور، ۴۱۴ق: ج ۹، ۱۱۰) و تاج‌العروس (حسینی زبیدی، ۴۱۴ق: ج ۱۲، ۱۳۶) آمده است که در هیچ‌یک از کتاب‌های روایی شیعه و اهل سنت مشاهده نشد: «سَلَطَ عَلَيْهِمُ آخِرَ الزَّمَانِ مَوْتَ طَاعُونٍ ذَفِيفٍ»؛ ذفیف در این روایت به معنای «سریع و کشنده» است (ر.ک: ابن‌درید، بی‌تا: ج ۳، ۱۲۵۴) که از ریشه «ذَفَّ» به معنای «کشتن» گرفته شده

است: «ذَفَقَهُ بِالسَّيْفِ» یعنی با «شمشیر او را کشت» (ر.ک: ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ۵۲) و «ذَفَا الطَّاعُونَ فَلَانًا» نیز یعنی «بیماری طاعون او را کشت» (همان: ۴۰۸).

۱-۴. برآیند بررسی طاعون در کتاب‌های لغوی و کتاب‌های روایی شیعی

۱. طاعون اگر به معنای بیماری استفاده شود، حائز بار معنایی منفی است و به مرگی عمومی، زودهنگام، سخت و متعدد بر اثر یک بیماری مهلک اشاره دارد. بنابراین گرچه ظاهراً دو روایت اخیر به دعای پیامبر ﷺ در حق امت خویش اشاره دارد، از نظر معنا و مفهوم به سبب آنکه هرگز امکان ندارد پیامبر ﷺ به امری ناگوار، ناپسند و در عین حال بی‌فایده در حق امت خویش دعا نمایند، درخواست پیامبر برای مرگ یا به عبارتی فنا و عاقبت امت اسلامی را نمی‌توان در بیماری مهلک و خانمان‌سوز در نظر گرفت؛ بلکه قطعاً مرگی منظور بوده که مایه مباهات ایشان در برابر پیامبران سایر امم در روز قیامت باشد. شایان ذکر است که گرچه سختی این بیماری ممکن است باعث کاستن از عذاب‌های اخروی گردد، در آموزه‌های اسلامی هیچ‌گاه به سکون و مشاهده عاقبت امر و دل‌خوش کردن به مواهب اخروی حاصل از سختی‌های دنیایی توصیه نشده است و همواره تأکید بر عمل صالح وجود دارد. بنابراین در آیات (بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۳۹-۱۴۰ و ۱۶۹؛ نساء: ۷۳؛ توبه: ۲۰؛ حج: ۵۸) و روایات، به تلاش و مجاهدت برای رسیدن به مرگی که باعث لقای الهی و ارتقای مراتب اخروی است توصیه شده؛ این‌چنین مرگی را شریف‌ترین (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۴۰۲، ح ۵۸۶۸) و گرامی‌ترین (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۰، خطبه ۱۲۳) مرگ‌ها معرفی می‌کنند. این مرگ همان است که در اسلام شهادت در راه حق معرفی شده و جایگاه شهید نزد خداوند آنچنان عظیم است که به او اذن شفاعت در قیامت داده شده است (ر.ک: تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۲۴۵) و در تشبیهاتی، مرگ یک عالم در راه علم یا کسی که بر دوستی و محبت خاندان پیامبر ﷺ بمیرد (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۱۲۲) از نظر ارزشمندی برابر با اجر شهید دانسته شده است، که نشان از برتری شهید بر این دو گروه دارد. بنابراین با عنایت به گوینده کلام درمی‌یابیم که غرض از دعای پیامبر ﷺ در حق امت خویش، مرگی منفعل نبوده و قطعاً امری فعالانه و مثبت مد نظر ایشان بوده است. دلیل متقن برای اثبات این ادعا، رسالت انبیای الهی در رساندن مردم به کمال است که مانع از دعای ناروا

کردن در حق مردم می‌شود. همچنین وظیفه و عادت ایشان دعای نیکو کردن است، زیرا یقین به استجاب آن دارند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرمودند: من اجابت دعای پدرم ابراهیم هستم (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۳۶۹).

۲. افزون بر این، چنان‌که بیان شد، در روایت «سَلَطْ عَلَيْهِمْ آخِرَ الزَّمَانِ مَوْتَ طَاعُونَ ذَفِيفَ» به مرگی سریع و کشنده اشاره شده، در حالی‌که طاعون مرگی دردناک است که ابتدا غدد بدن بیمار را درگیر می‌کند و سپس موجب تورم، تب، خونریزی و مرگ می‌شود و علائم دردناکی دارد که کم‌کم در بدن بیمار نمایان می‌شود. با این تفاسیر منظور از مرگ سریع در این روایت، به احتمال نزدیک به یقین، مرگ با ضربه شمشیر، نیزه یا سایر ادوات جنگی است. بنابراین با توجه به معنای «ذَفِيفَ» که مترادف کشتن در فارسی است، اگر «ذَفِيفَ» را در معنای «کشنده» و «طَاعُونَ» را در معنای «ضربه» در نظر بگیریم، آنگاه عبارت «طَاعُونَ ذَفِيفَ» به معنای «ضربه‌ای کشنده» خواهد بود و منظور آن است که فرد به سرعت کشته شود و این امر مانع از احساس زجر و درد ناشی از زخم و جراحی پیش از مرگ است. بنابراین علت دعای پیامبر ﷺ را درمی‌یابیم که از روی شفقت ایشان برای امتشان صادر شده است.

۲-۴. برآیند بررسی طاعون در کتاب‌های روایی اهل سنت

این موضوع با استفاده از روایات اهل سنت نیز قابل اثبات است؛ زیرا:

۱. تنها در صورت فرض معنای شهادت برای آن می‌توان پذیرفت که مرگ با طاعون آنچنان مورد پسند و رغبت باشد که پیامبر ﷺ در احادیث مختلفی چنین مرگی را ستوده و فرار از آن را با فرار از دشمن قیاس نموده‌اند و طاعون اگر در معنای هلاکت با بیماری وبا باشد، هرگز مورد رغبت نیست. در اینجا نیز ممکن است اشکال شود که روایات متعددی مبنی بر اجتناب از بیماری‌های فراگیر تا حد امکان در اختیار است؛ یعنی اگر در شهری طاعون یا وبا باشد، آنجا نرویم و مردم آنجا نیز از آن شهر بیرون نیایند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۵۴). پس قاعدتاً هدف کلام پیامبر ﷺ اشاره‌ای تربیتی بهداشتی به صورت غیرمستقیم بوده است. در پاسخ به این اشکال، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که: چرا پیامبر ﷺ از اشاره مستقیم به این معنا پرهیز نموده و با عظمت دادن به مرگ بر اثر طاعون، آن‌هم تا مرتبه شهید، مردم را به صورت غیرمستقیم، به تکلیف عقلانی

و بهداشتی آنان هشدار داده‌اند؟ در حالی که با این نوع بیان، موضوع از ماهیت تعلیمی- بهداشتی خارج شده و حتی برای کسانی که ظاهر کلام را ملاک قرار می‌دهند - که غالباً هم همین‌طور است - موجب کج‌فهمی و خلط مبحث خواهد شد.

۲. اشاره صریح به لفظ شهید در روایات مرگ با طاعون، خود شاهد بر این مدعاست که کلمه طاعون احتمالاً در زمان پیامبر ﷺ در معنای کشته شدن در جنگ و با ضربه و جراحت ناشی از شمشیر نیز کاربرد داشته است و به سبب اشتراک لفظی آن با طاعون در معنای بیماری، مخاطبان کلام در آن زمان دچار خطا و اشتباه در فهم حدیث شده‌اند.

۳-۴. جمع‌بندی بررسی روایی

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که غرض از «فنا» و «مرگ» در احادیث پیامبر ﷺ کشته شدن در جنگ و شهادت است که متضمن سعادت دنیوی و اخروی امت پیامبر ﷺ است؛ زیرا اگر مسلمانان در جنگ پیروز شوند، مایه کشورگشایی امت اسلامی، گسترش دین حق و نابودی باطل خواهد بود، و اگر کشته شوند نیز چون بالاترین دارایی خود را که جان ایشان است به محضر پروردگار عالم تقدیم نموده‌اند، بالاترین درجه و اعتبار را نزد خداوند دارند و به برترین پاداش‌های اخروی دست می‌یابند.

۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق به شیوه کلامی و به روش توصیفی تحلیلی به اثبات صحت مفهومی عبارت «مرگ شیعه‌نمایان با طاعون» در حدیث امام صادق ع پرداخته شد.

۱. ابتدا حدیث از نظر سند و آسیب‌های محتمل بر متن آن بررسی شد و نتیجه این بود که روایت از نظر سند و متن به دو گروه از منقولات تقسیم می‌شود: گروهی که در نقل، تابع نسخه کلینی و گروهی که تابع نسخه نعمانی بوده‌اند. به سبب روایان طریق اول و سوم نسخه کلینی صحیح، ولی نسخه نعمانی ضعیف دانسته شد؛ به همین دلیل کتاب *الکافی* به عنوان نمونه تحقیقی انتخاب شد.
۲. در بررسی متن تنها برخی تفاوت‌های ظاهری که در معنای حدیث تأثیر منفی بسزایی نداشت، مشاهده شد و بیشتر تناقضات شنیداری و نوشتاری به سبب تشابه کلمات گزارش شد و تنها موردی که به مفهوم آسیب می‌زد، اختلاف در عبارت «طاعون یقتلهم» در نسخه کلینی و «سیف یقتلهم» در نسخه نعمانی بود؛

زیرا تفاوت در نوع این مرگ‌ها صحت مفهومی روایت را از بُعد تخصیصی بودن آن مبهم می‌نمود.

۳. بررسی منابع تاریخی - طبی نشان داد که طاعون نوعی بیماری واگیر است و همه افراد حاضر در محیط را درگیر می‌کند؛ بنابراین تخصیص آن به یک گروه خاص از منظر عقل و شواهد تاریخی، قابل رد است. با توجه به مردود دانستن تخصیص مرگ با بیماری طاعون به گروهی از اشخاص این فرضیه در نظر گرفته شد که طاعون به معنایی غیر از بیماری اشاره دارد.

۴. بررسی واژگانی نشان داد کلمه طاعون دارای ریشه مشترک با کلمه «طعین» به معنای «ضربه» است؛ بنابراین به نظر می‌رسد عبارت «طاعون یقتلهم» معنایی غیر از بیماری و مرتبط با ریشه آن یعنی «ضربه» داشته باشد.

۵. بررسی آیات نشان داد اگر مرگ جسمانی مد نظر باشد، مرگ شیعه‌نمایان به وسیله طاعون گرچه اجل مسماست، در این معنا نمی‌تواند به گروه خاصی تخصیص یابد. همچنین نمی‌تواند اجل معلق باشد که بر اثر خشم یا آزمایش الهی به گروهی معین اختصاص یابد. اگر هم مجاز از مرگ قلب و روح شیعه نمایان باشد، گرچه به دلیل وجود برخی روایات مشتعل بر معنای مجازی طاعون محتمل است، به سبب اثباتی در مقاله حاضر، بیشتر جنبه تأکیدی دارد بر اینکه منظور از هلاکت، مرگ به واسطه بیماری طاعون نبوده است؛ بنابراین «طاعون یقتلهم» به نوع دیگری از مرگ اشاره دارد که از نظر آیات قابل تخصیص به یک گروه معین باشد.

۶. بررسی روایی نشان داد رویکرد روایات به طاعون فقط با پذیرش معنای مرگ با ضربه شمشیر قابل توجیه است و در صورتی که در معنای بیماری باشد، ظاهر روایات با باطن آن‌ها دچار تناقض مفهومی می‌گردد.

۷. جمع‌بندی یافته‌ها حاکی از آن است که در این روایت، عبارت «طاعون یقتلهم» به معنای هلاکت با طاعون، که به گروه شیعه‌نمایان نسبت داده شده، مرگ بر اثر بیماری طاعون نبوده، بلکه منظور امام هلاکت بر اثر ضربه شمشیر، نیزه یا هر نوعی از ادوات جنگی است و به صورت غیرمستقیم به غلبه شیعیان بر

دشمنانشان یا پیروزی نهایی حق علیه باطل و نابودی ستمگران اشاره دارد.

منابع

قرآن کریم.

آقائوری، علی. (۱۳۸۴ش). «شیعه و تشیع؛ مفهوم‌شناسی، ماهیت و خاستگاه». شیعه‌شناسی، شماره ۱۱: ۶۴-۳۹.

ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ش). الغیبة للنعمانی (علی‌اکبر غفاری، محقق/مصحح). تهران: نشر صدوق.

ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهاية فی غریب الحدیث و الأثر (محمود محمد طنحی، محقق/مصحح). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). صفات الشیعه (عزیزالله عطاردی، مترجم). تهران: اعلمی.

_____ (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار (علی‌اکبر غفاری، محقق/مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (علی‌اکبر غفاری، محقق/مصحح). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____ (۱۳۷۸ش). عیون اخبار الرضا علیه السلام (مهدی لاجوردی، محقق/مصحح). تهران: نشر جهان.

ابن‌حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). مسند الامام أحمد بن حنبل. جمعی از محققان. بیروت: مؤسسه الرسالة.

ابن‌درید، ابوبکر محمد بن الحسن. (۱۹۸۷م). جمهرة اللغة (رمزی منیر بعلبکی، محقق). بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن‌سیده، علی بن اسماعیل. (بی‌تا). المخصص. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن‌سینا. (۱۳۶۸ش). القانون فی الطب (عبدالرحمن شرف‌کندی، مترجم). تهران: سروش.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (علی‌اکبر غفاری، محقق/مصحح). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌فارس، ابوالحسن احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (عبدالسلام محمد هارون، محقق/مصحح). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جمال‌الدین میردامادی، محقق/مصحح). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.

ابن‌همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل. (۱۴۰۴ق). التمحیص. قم: مدرسة الامام المهدي علیه السلام.

ازدی، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۷ش). کتاب الماء. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران - مؤسسه مطالعات

تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۳۸۲ش). *عوامل العلوم والمعارف والأحوال- الامام علی بن ابی طالب* (محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، محقق/مصحح). قم: مؤسسه الامام المهدي.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ق). *صحیح البخاری*. قاهره: جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة.

بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶ش). *تفسیر جامع*. تهران: کتابخانه صدر.

بسام، مرتضی. (۱۴۲۶ق)، *زبده المقال من معجم الرجال*. بیروت: دارالمحجة البيضاء.

ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹ق). *الجامع الصحیح (سنن الترمذی)* (احمد محمد شاکر، محقق). قاهره: دارالحديث.

تفرشی، مصطفی بن حسین. (۱۳۷۷ش). *نقد الرجال*. قم: مؤسسه آل البيت.

تیمی، یحیی بن سلام. (۱۴۲۵ق). *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

جلادت، امیرمحمد، و مصطفوی، احسان، (۱۳۹۶ش). «تشخیص، درمان و گزارش های همه گیری های

طاعون در دوران تمدن اسلامی». *نشریه طب سنتی اسلام و ایران*، شماره ۳۰: ۲۲۳-۲۳۰.

جوهری، محمدرضا. (۱۳۸۷ش). «صفات و فضایل شیعه در کلام امام رضا». *مشکوٰه*، شماره ۱۰۱: ۷۶-۵۹.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ش). *الصحاح* (احمد عبدالغفور عطار، محقق/مصحح). بیروت: دارالعلم للملایین.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ش). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت.

_____ (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة* (محمد بن محمد الحسین القائینی،

محقق/مصحح). قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.

حسینی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس* (علی شیرینی، محقق/مصحح). بیروت: دارالفکر.

حسینی، غلام احیاء. (۱۳۸۷ش). *شیعه شناسی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*. قم: شیعه شناسی.

خرمی، جواد. (۱۳۸۴ش). «برخی از اوصاف شیعیان در کلام امام صادق». *نشریه مبلغان*، شماره ۶۵: ۴۶-۳۸.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البيت.

راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲ش). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه.

رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۵ق). *شیعه شناسی و پاسخ به شبهات*. تهران: مشعر.

زارع، فرزانه، مساوات، سید حمدالله، عطارزاده، فاطمه، و جلادت، امیرمحمد. (۱۳۹۶ش). «طاعون در

۲۳۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۰۳-۲۳۸

طب سنتی ایران و طب نوین». نشریه تاریخ پزشکی، شماره ۳۲: ۹۵-۸۶.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷ق). *الفاقی فی غریب الحدیث* (ابراهیم شمس الدین، محقق/مصحح). بیروت: دارالکتب العلمیه.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۹ش). *سیمای عقاید شیعه*. تهران: مشعر.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه* (صبحی صالح، محقق/مصحح). قم: هجرت. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۹ق). *منیة المرید* (رضا مختاری، محقق/مصحح). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الطبری). بیروت: دارالمعرفة. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین* (احمد حسینی اشکوری، محقق/مصحح). تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). *رجال الطوسی* (جواد قیومی اصفهانی، محقق). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.

_____ (۱۴۲۰ق). *الفهرست* (عبدالعزیز طباطبایی، محقق). قم: مکتبه محقق الطباطبایی.

طیاسی، ابوداود. (۱۴۱۹ق). *مسند ابی داود* (محمد بن عبدالمحسن ترکی، محقق). مصر: دار هجر. علیاناسب، سید ضیاءالدین، حاضری جیقه، علی اکبر، و رمه پرور، آمنه. (۱۳۹۴ش). «عامل های مادی طول عمر انسان از دیدگاه آموزه های اسلامی». نشریه پژوهش در دین و سلامت، شماره ۱: ۶۳-۵۳.

_____، _____، _____ (۱۳۹۶ش). «در جست و جوی عوامل طول عمر معنوی انسان در

قرآن». نشریه پژوهش در دین و سلامت، شماره ۲: ۱۰۵-۱۱۴.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: نشر هجرت.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ق). *صحیح مسلم* (محمدفؤاد عبدالباقی، مصحح). قاهره: دارالحدیث.

کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *رجال الکشی، إختیار معرفة الرجال* (محمد بن الحسن طوسی / حسن مصطفوی، محقق). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محقق/مصحح). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۳۶۹ش). *الکافی* (سید جواد مصطفوی، مترجم). تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ش). *شرح الکافی، الأصول و الروضة* (ابوالحسن شعرانی،

محقق). تهران: المكتبة الاسلامية.

مالك بن انس. (۱۴۲۵ق). موطأ الامام مالك (محمد مصطفی اعظمی، محقق). ابوظبی: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والانسانية.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

_____ . (بی تا). بحار الأنوار (علوی و محمودی، محقق). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

_____ . (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (سیدهاشم رسولی محلاتی، محقق/مصحح). تهران: دارالکتب الاسلامية.

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقيه (حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازی، محقق/مصحح). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲ش). دایرة المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب قم.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹ش). راه و راهنماشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تصحیح الاعتقادات الامامیه (حسین درگاهی، محقق/مصحح). قم: کنگره شیخ مفید.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ش). كشف الاسرار و علة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). تهران: امیرکبیر.

نجاتی، محمد عثمان. (۱۳۸۱ش). قرآن و روان شناسی (عباس عرب، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی (موسی شیبیری زنجانی، محقق). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.

نسائی، احمد بن علی. (بی تا). المعجتي من السنن. عمان: بيت الأفكار الدولية.

نصری رودسری، سهیل، خدادوست، محمود، بابامحمودی، فرهنگ، و نصیری، ابراهیم. (۱۳۹۷ش). «تشخیص و درمان وبا از منظر حکمای طب ایرانی». طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۱: ۲۵-۳۶.

هاشمی، فاطمه. (۱۳۸۷ش). بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

یزدی حائری، علی. (۱۴۲۲ق). إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام (علی عاشور، محقق/مصحح). بیروت: مؤسسة الأعلمی.

References

- Azudi, A. (1967). *Al-Maa*, Tehran: Iran University of Medical Sciences - Institute of Medical History, Islamic and Complementary Medicine. [In Arabic].
- Bahrani Esfahani, A. (1962). *Awalem Al-Oloum wa Maarif Al-Ahwaal – Al-Imam Ali ibn Abi Talib (PBUH)*, researcher/corrector Muhammad Baqir Movahed Abtahi Esfahani, Qom: The school of Al-Imam Al-Mahdi May God hasten his return. [In Arabic].
- Bassam, M. (2005). *Zubda Al-Maqal Men Mujam Al-Rajal*, Beirut: Dar Al-Mahja Al-Bayda. [In Arabic].
- Bukhari, M. (1990). *Sahih al-Bukhari*, Cairo: Arab Republic of Egypt, Ministry of Endowments, Supreme Council for Islamic Affairs, Committee for the Revival of Books of the Sunnah. [In Arabic].
- Buroujerdi, M. (1947) *Tafsir Jame*, Tehran: Sadr Library. [In Persian].
- Culture and Knowledge Center of the Qur'an. (1962). *Holy Qur'an encyclopedia*, Qom: Qom book park. [In Persian].
- Dailami, Hasan ibn Muhammad, (1988), *Aalam al-Din fi Sifat al-Mu'minin*, Qom: Al-Bayt (PBUH) Foundation. [In Arabic].
- Faiz Kashani, M. (1986). *Al-Vafi*, Isfahan: Library of Imam Amir al-Momineen Ali, (PBUH) [In Arabic].
- Farahidi, K. (1989). *Al-Ain*, Qom: Hijrat Publishing. [In Arabic].
- Hashemi, F. (2009). *Examining Authenticity and Validity of the Commentary Traditions Attributed to Imam Askari, (PBUH)*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian].
- Helali, S. (1995). *Asrari Ali Muhammad (a.s)*, translated by Ismail Ansari Zanjani Khoeini, Qom: Al-Hadi Publishing. [In Persian].
- Hosseini Zubeidi, M. (1994). *Taj al-Arus*, scholar/corrector Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Hurr Ameli, M. (1989). *Wasa'el al-Shi'a*, Qom: Al Al-Bayt (PBUH) Foundation. [In Arabic].
- (1997). *Al-Fusul al-Muhemma fi Asul al-Aemah*, researcher/corrector Muhammad ibn Muhammad al-Hussein al-Qaini, Qom: Institute of Islamic Education of Imam Reza (PBUH). [In Arabic].
- Ibn Abi Zainab, M. (1997). *Al-Ghaiba*, researcher/corrector Ali Akbar Ghafari, Tehran: Sadouq Publishing. [In Arabic].
- Ibn Athir Jazari, M. (1948). *Al-Nah'aya fi Gharib al-Hadith wa Athar*, researcher/corrector Mahmoud Muhammad Tanahi, Qom: Ismailian Press Institute. [In Arabic].
- Ibn Babiwayh, M. (1983). *Ma'ani al-Akhbar*, researcher/corrector Ali Akbar Ghafari, Qom: Islamic Publications Office attached to the Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic].
- (1993). *Man La Yahzara al-Faqih*, researcher/corrector Ali Akbar Ghafari, Qom: Islamic Publications Office attached to the Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic].
- (2000). *Ayoun Akhbar al-Reza (PBUH)*, researcher/corrector Mehdi Lajavardi, Tehran: Jahan Publishing House. [In Arabic].
- Ibn Faris, A. (1984). *Mo'jam Maq'ayis al-Logh'a*, researcher/corrector Abd Al-Salam

- Muhammad Haroun, Qom: Maktab al-Al'am al-Islami. [In Arabic].
- Ibn Hammam Eskafi, M. (1984). *al-Tamhis*, Qom: The school of Al-Imam Al-Mahdi May God hasten his return. [In Arabic].
- Ibn Hanbal, A. (1995). *Musnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal*, a group of researchers, Beirut: Al-Resala Institute. [In Arabic].
- Ibn Manzour, M. (1994) *Lesan Al-Arab*, researcher/corrector Jamal al-Din Mir Damadi, Beirut: Dar al-Fikr for printing and publishing and spreading – Dar-e Sader. [In Arabic].
- Ibn Saydeh, A. (n d). *Al-Mukhases*, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Elmiya. [In Arabic].
- Ibn Shazan, M. (1987). *Ma'at Manqaba Men Manaqib Amir al-Mu'minin and Imams*, Qom: The school of Al-Imam Al-Mahdi May God hasten his return. [In Arabic].
- Ibn Shuba Harrani, H. (1984). *Tohaf al-Oqul*, researcher/corrector Ali Akbar Ghafari, Qom: Teacher's Society Publication. [In Arabic].
- Ibn Sina, (1990). *Al-Qanun Fi Al-Tib*, translated by Abdurrahman Sharafkandi, Tehran: Soroush. [In Persian].
- Jaladt, A. (2016). "Diagnosis, treatment and reports of plague epidemics in the era of Islamic civilization", *Journal of Traditional Medicine of Islam and Iran*, No. 30, pp. 223-230. [In Persian].
- Juhari, I. (1957). *Al-sehaah*, researcher/corrector Ahmed Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar Al-elm Lel Malaiin. [In Arabic].
- Kashshi, M. (1989). *Rijal al-Kashi-Ikhtiyar al-Marifa al-Rijal*, researcher Mohammad ibn Al-Hasan Tousi/Hassan Mostafavi, Mashhad: Mashhad University Publishing House. [In Arabic].
- Kuleini, M. (1987). *Al-Kafi*, researcher/editor: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic books house. [In Arabic].
- (1402). *Al-Kafi*, translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran: scientific Islamic Bookstore. [In Persian].
- (1431). *Tohfa Al-Owliya* (translation of Asul Kafi), translator Muhammad Ali Ardakani, researcher/corrector Muhammad Vafadar Moradi and Abd Al-Hadi Masoudi, Qom: Dar al-Hadith. [In Persian].
- Majlesi, M. (1983). *Behar al-Anwar*, edited by a group of researchers, Beirut: House for Revival of Arab Heritage. [In Arabic].
- (n d). *Behar Al-Anwar Al-Jami'ah Li'l-Durar Al-Akhbar Al-Aem'ah Al-Abrar (peace be upon them)*, researcher Alawi and Mahmoudi, Beirut: House for Revival of Arab Heritage. [In Arabic].
- (1984). *Mer'at Al-Oghoul in Sharhe Akhbare Ale-Rasul*, edited by Seydhashem Rasouli Mahallati, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Majlisi, M. (1986). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Man La Yahzaroh al-Faqih*, researcher/editor Hossein Musavi Kermani and Ali Panah Eshtehardi, Qom: Koshanpur Cultural Islamical Foundation. [In Arabic].
- Malik ibn Anas. (2004). *al-Imam Malik's Muta'*, researcher Muhammad Mostafa Azami, Abu Dhabi: Zayed ibn Sultan Ale Nahyan Institute for Philanthropy and Humanities. [In Arabic].
- Mazandarani, M. (1962). *Sharh al-Kafi "al-Usul wa al-Rudah"*, researcher Abolhasan Sha'rani, Tehran: Islamic library. [In Arabic].

- Meibudi, A. (1993). *Kashf Al-Abrar Wa Ed'at Al- Abrar* (known as Tafsir Khwaja Abdullah Ansari), Tehran: Amirkabir. [In Arabic].
- Mesbah Yazdi, M. (2001). *Way and Guide Knowing*, Qom: Imam Khomeini's (may God rest his soul) Educational and Research institution. [In Persian].
- Mufid, M. (1994). *Correcting Imamiya Beliefs*, Researcher/Corrector Husayn Dargahi, Qom: Shaykh Mufid Congress. [In Arabic].
- Najashi, A. (1987). *Rijal al-Najashi, verified by Musa Shabiri Zanjani*, Qom: The group of teachers in the seminary in Qom, Islamic Publishing Foundation. [In Arabic].
- Nasa'i, A. (n d). *Al-Mujtaba from Al-Sunan (famous for Sunan Al-Nasa'i)*, Oman: House of International Ideas. [In Arabic].
- Nasri Roudsari, S; Khodadoust, M; Baba Mahmoudi, F; Nasiri, I. (2019). Diagnosis and treatment of Cholera from the Perspective of Iranian Medical Scholars, *Traditional Medicine of Islam and Iran*, vol. 1, pp. 25-36. [In Persian].
- Nejati, M. (2003). *Qur'an and Psychology a, translated by Abbas Arab*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian].
- Qusheiri Neishabouri, M. (1412/1992) *Sahih al-Moslem*, editor Muhammad Fouad Abdul Baqi, Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic].
- Rāwandi, M. (1962). *Social History of Iran*, Tehran: Negah. [In Persian].
- Shahid Thani, Z. (1989) *Minyat al-Murid*, researcher/editor Reza Mokhtari, Qom: Islamic Information Office. [In Arabic].
- Sharif al-Radi, M. (1994). *Nahj al-Balaghah*, scholar/corrector Sobhi Saleh, Qom: Hijrat. [In Arabic].
- Tabari, M. (1992) *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Tafsir al-Tabari), Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic].
- Tabrisi, F. (1953) *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Nasir Khosrow. [In Arabic].
- Tafreshi, M. (1958). *Naqd Al-Rejal*, Qom, Ahl Al-Bayt (peace be upon her). [In Arabic].
- Tayyasi, A. (1998). *Musnad Abi Dawud*, researcher Muhammad ibn Abd al-Muhsin Turki, Egypt: Dar Hijr. [In Arabic].
- Timi, Y. (2004). *Tafsir of Yahya ibn Salam al-Taimi al-Basri al-Qairwani*, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiya, Muhammad Ali Beyzoon's manuscripts. [In Arabic].
- Tirmidhi, M. (1998). *al-Jami al-Sahih and Hu Sunan al-Tirmidhi*, scholar Ahmad Muhammad Shakir, Cairo, Dar al-Hadith. [In Arabic].
- Turaihi, F. (1956). *Majma' al-Bahrain*, researcher/editor Ahmad Hosseini Eshkuri, Tehran: Mortazavi. [In Arabic].
- Tusi, M. (1995). *Rijal al-Tusi, investigator Jawad Qayumi Isfahani*, Qom: The group of teachers in the seminary in Qom, Islamic Publishing Institution. [In Arabic].
- (1999). *Al-Fehrest*, researcher Abd al-Aziz Tabatabai, Qom: Muhaqqiq Tabatabai Library. [In Arabic].
- Ulianasab, S; Hazeri Jiqeh, A; Rame Parvar, A. (2016). "Material factors of human life span from the perspective of Islamic teachings", *Journal of Research in Religion and Health*, No. 1, pp. 53-63. [In Persian].
- , (2018). "in Searching for factors of human spiritual span in the Qur'an", *Journal of Research in Religion and Health*, No. 2, pp. 105-114. [In Persian].

- Yazdi Hayeri, A. (2001). *Elzam Al-Naseb Fi Esbat Al-Hojjah Al-Ghaeb*, verified/corrected by Ali Ashour, Beirut: Al-Alami Foundation. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1996). *Al-Faiq fi Gharib al-Hadith*, researcher/corrector Ibrahim Shams al-Din, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Elmiya. [In Arabic].
- Zare, F, Mosawat, S, Fatemeh, J. (2018). "Plague in Traditional Iranian Medicine and Modern Medicine", *Medical historical Journal*, No. 32, pp. 86-95. [In Persian].



Hadith Understanding Analysis of Destruction of the apparent Shiites by plague in "Al-Kafi"

Mona khani

Master's student of Hadith sciences, Nahj al-Balagha. Department of Quran and Hadith Sciences. University of Hazrat Masoumeh (pbuh). Qom. Iran.

Mohsen rafat

Assistant professor and faculty member. Department of Quran and Hadith Sciences. Hazrat Masoumeh (pbuh) University, Qom, Iran.

Received: 02/07/2022

Accepted: 03/09/2022

Introduction

After the death of the Prophet (pbuh) due to the pretense and hypocrisy of some Muslim-looking people, the Islamic community went astray and the Prophet's (pbuh) family members were deprived of their divine right to lead the Islamic community as a ruler and it caused division among Muslims. After that, the Muslims became several groups, among them there were a group of real Shiites following Imam's way and another group of worldly worshipers and deceived supporters of the caliphs and their associated rulers. Later, due to the many persecutions of the cruel caliphs against the Shiites, orders were issued by the Innocents (as) to make the Shiites taqiyyah; Also, the imams (as) explained some characteristics of the Shiites and prominent Shiites so that people could distinguish the taqiyyah from the hypocrites and prevent the influence of such elements among the followers of the Ahl al-Bayt (as). In a tradition from Kafi's book, it is stated: "One of the prominent characteristics of people who pretended to be Shiites is their death by plague"; While the plague is an epidemic disease and in the event of an outbreak, all the people present in the environment will get sick and few will be safe from its bite; Therefore, attributing the death by plague to the fake Shiites has a rational and conceptual ambiguity. One of the possibilities for solving the intellectual contradiction of this phrase, which was issued with an authentic document from Imam Sadiq (as), is to pay attention to the possibility of the harm of taqiyyah in the hadith. So the concept of plague may be different from the main and popular meaning of this as a disease.

Research Methodology

The present article examines the various types of understanding of the aforementioned hadith, as well as the Isnad and content validity of the tradition, focusing on the question of "what is the main and assumed meaning of the word (plague) in this hadith, and what kind of death is referred to in the phrase (plague, will kill them)" Does it have death and destruction?" It is placed on the scale of deposit measurement and discussed with analytical-critical method.

Discussion and findings

By arguing with historical and medical evidence, the conceptual contradiction of this phrase was proved with empirical facts, and then, with the approach of structuralist semantics, the real meaning of plague in this phrase was discovered. The findings of the conceptual examination of the phrase in its aspects and lexical frequencies and the comparative examination of its meaning with the verses, traditions and experimental and historical evidence showed that death by plague, which is attributed to the apparent Shiites, represents a death other than illness and means death with war tools such as swords or spears.

A lexical examination proved: since "plague" is derived from the three-letter root " ط ع ن " and has a common root with the word "ṭaʿīn" which means strike, it is possible that the word "plague will kill them (Yaqtulhom) " has a meaning other than disease and related to its root meaning (strike). In addition, since it is associated with the verb (Yaqtulhom) meaning to be killed, there is a greater possibility that it refers to the strike of a sword, and if the meaning of death by disease is meant, it should be associated with the verb (aṣāba) which means to encounter and be affected by disease. The investigation of the hadith family showed that in the tradition of Nu'mani, who is a contemporary of Kulaini, instead of the word "plague", the word "sword" is used, which fits with the root of the word "plague" in the meaning of "striking". Therefore, in this tradition, plague does not mean disease, but it means being killed by a sword.

Examining the verses also showed that the death of prominent Shiites by plague is a nominal death, but in this sense, it cannot be assigned to a specific group; Also, it cannot be a pending death that is assigned to a certain group due to God's anger or test. Therefore, it refers to another type of death that can be assigned to a certain group according to the verses.

Narrative analysis also showed that the approach of the hadiths to the plague can only be justified by accepting the meaning of death by a sword strike, and if it means disease, the appearance of the hadiths will have a conceptual contradiction with their inner meaning.

Conclusion

The summary of the findings indicates that in this tradition, the phrase "plague will kill them" means death by plague, which is attributed to the group of Shiites, it is not death due to plague, but the imam means death due to the strike of a sword, spear or it is any type of war tool and indirectly refers to the victory of the Shias over their enemies or the final victory of the truth against the falsehood and the destruction of the oppressors.

Key words: the apparent Shiites, death by plague, al-Kāfī, text criticism, hadith Understanding.

